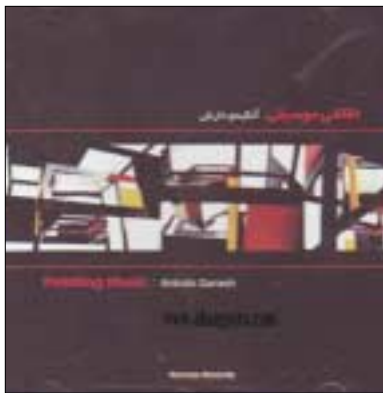


شنیدنی هفته

نقاشی با موسیقی

شنیدن آلبوم موسیقی بدون کلام واقعا تمرکز و هنر می‌خواهد. اما برخی‌های دیگر تنها تحمل ۵ تا ۱۰ دقیقه شنیدن چنین آثاری را دارند. کلام هر قدر هم کم باشد با این حال فضای متفاوتی را ایجاد می‌کند و یک نوع هدف به موسیقی می‌دهد. این عقیده همان افرادی است که حوصله و تاب شنیدن آلبوم‌های بی‌کلام را ندارند. البته آنها هم تاکید دارند بد صدایی خواننده‌ها سبب می‌شود گاهی افسوس و حسرت آلبوم‌های بی‌صدا را داشته باشند. یک پیشنهاد خوب برای تمام کسانی که می‌توانند و می‌خواهند برای یک بار هم شده موسیقی بی‌کلام را با آرامش و بی‌خستگی طی کنند آلبوم «نقاشی موسیقی» اثری از آنکیدو دارش



است. او یکی از نوازندگانی است که تجربه حضور در ارکستر ملی به رهبری فرهاد فخرالدینی و ارکستر فیلارمونیک تهران را داشته است. اما از ویژگی‌های این اثر حضور پر حجم ساز ویولنسل

خواندنی هفته

لطیف است شب



چند وقتی است روی پیشخوان کتابفروشی‌ها کتابی را با نام «لطیف است شب» می‌بینید. اول باید چند سوال را جواب دهید و بعد به سراغ خریدن یا قرض گرفتن این کتاب بروید. آیا برایتان مهم است که درباره زندگی شخصی یکی از نویسندگان کلاسیک دهه سی و چهل بدانید؟ نویسنده‌ای که شهرت زیادی دارد و اسمش اسکات فیتزجرالد است؟ نویسنده‌ای که یکی از کتاب‌های عاشقانه دنیا - یعنی گتسی بزرگ - را نوشته است؟ کتابی که اکنون می‌خواهید بخوانید هم جزو کتاب صد رمان برتر قرن بیستم است. زیاد هم آن پایین‌ها نیست، در یک سوم اول لیست قرار دارد. اگر جواب این سوال‌ها مثبت بود زیاد نگران سوال بعدی نباشید. یعنی این که با قیمت ۸۵۰۰ تومانی آن چه کار می‌کنید نباشید. می‌توانید شریکی کتاب را بخرید.

کتاب درباره زندگی فیتزجرالد و همسرش زلدا است. کتاب به صورت پاورقی در سال ۱۹۳۴ چاپ شده است. این نشان می‌دهد که حتما داستان جالبی بوده که مردم آن را دنبال می‌کردند. این کتاب برگرفته از زندگی سطحی نویسنده است. البته با اضافه و کم شدن مطالبی که برای جذاب‌تر شدن اثر نیاز بوده است. هیچ داستانی مثل خود زندگی جذاب نیست اما همین زندگی را باید همراه با نکته‌هایی کرد تا جذاب‌تر و خواندنی‌تر باشد. این که نویسندگان درباره زندگی خود بنویسند یا سفرنامه‌های خود را که بسیار اتفاق افتاده است. از همین‌گویی گرفته تا جیمز جویس. اما در این میان زندگی فیتزجرالد به دلیل همسرش کمی نامتعارف‌تر از بقیه است. موضوع این است که می‌گویند همسر او زلدا دچار حمله‌های عصبی می‌شده حتی مدتی هم در آسایشگاه خوابیده بوده است. این اتفاقی است که سبب شده تا جمع زیادی از نویسندگان نگاه متفاوتی نسبت به این نویسنده توانا داشته باشند. البته با خواندن برخی داستان‌های او می‌توان نشانه‌هایی از حضور زلدا را دریافت و حدس زد که این شخصیت در این با آن کار شبیه زلدا عمل می‌کند. این داستان روابط این زن و مرد را به تصویر کشیده است. یک زندگی در بعضی روزها پر از عشق و دوستی و در روزهای دیگر پر از نفرت. گاه هدیه‌ای اوضاع را بهتر می‌کند و گاه بدتر. روایتی است از زنان و مردانی که دیده می‌شوند و تاثیر خود را می‌گذارند و می‌روند. کتاب مرور عشق است. عشقی که ممکن است تمام شود و این که چه کار باید کرد که این اتفاق نیفتد و کتاب یک جور مرور زندگی مشترک است و بیان راه‌هایی که از پایشان جلوگیری می‌توان کرد. این کتاب فقط داستان نیست. روایت افسوس‌ها و شادی‌ها هم هست. یک جور تجربه غیرمستقیم که همراه با قواعد داستانی شده است.

است. سازی که در بیشتر اثر کلاسیک حضور، اما به نوعی در حاشیه قرار دارد. حاشیه‌ای برای شنیدن دیگر سازهای اثر. این بار ویولنسل ساز محوری این آلبوم محسوب می‌شود و تمام تلاش خالق این اثر استفاده از این ساز بوده است. سازی که می‌تواند بم‌ترین تا نازک‌ترین صداها را تولید کند و سازی که می‌تواند انسان را شاد یا غمگین کند. این آلبوم مجموعه‌ای است از قطعاتی که این نوازنده آن را در سال‌های ۷۹ تا ۸۵ نواخته است. حالا او در کارنامه‌اش ساخت ۱۰ موسیقی تئاتر و ۵ موسیقی فیلم را دارد. اما این قطعه برایش جایگاه ویژه‌ای داشته که به سراغشان رفته و پس از سال‌ها آنها را در کنار هم قرار داده و شنونده را به شنیدن یک آلبوم ۶۷ دقیقه‌ای مهمان کرده است. در این مجموعه آهنگ‌ها صدای سازهای دیگر هم شنیده می‌شود که همراه شده‌اند؛ سازهایی کلاسیک همچون پیانو و ویولنسل الکترونیک.

دیدنی هفته

هر شب تاریکی

جشنواره در برخی شهرها تمام شده است و در برخی دیگر ادامه دارد. اما سینماها به اکران فیلم‌های مختلف خود ادامه می‌دهند. اگر حوصله رفتن و دیدن فیلم‌هایی مثل تاکسی نارنجی و دختر میلیونر را ندارید که قطعاً ندارید، می‌توانید یک سر برای زیارت به سراغ فیلم «هر شب تنهایی» بروید. یک سفر ساده و آسان به حرم امام رضا (ع). همان جایی که حج مستمندان است. اما این فیلم سینمایی که یکی از سه گانه‌های صدرعاملی درباره زیارت است با سختی بسیار ساخته شده است. اولین بار است که کسی در حرم امام رضا (ع) فیلم می‌سازد. فیلم مجموعه اتفاقی است که برای زنی می‌افتد. زنی که لیلا حاتمی درد و رنجش را بر روی پرده سینما فریاد می‌زند. زنی که همسری دارد ساکت و ملایم و عاشق. او خودش در راه مرگ است و آرزویی برایش نمانده اما همه اطرافیانش تلاش می‌کنند تا او را به سوی زندگی راهنمایی کنند. او خواسته‌ای دارد، مثل همه زنان. زنی که می‌خواهد مادر باشد. اتفاقی که برایش در سفر می‌افتد. او ۱۲ سال پیش آمده بود و اکنون آرزوی اجابت شده است. او دختری بی‌پناه را که گم شده است پناه می‌دهد. دختری که زبانش را کسی نمی‌فهمد. برایش لباس و کفش می‌خرد. از او پرستاری می‌کند و تمام احساسات مادری را با حضور این دختر تجربه می‌کند. دیگر حسرتی برایش باقی نمی‌ماند. دیگر آماده هر اتفاقی است. اگر لیلا حاتمی فیلم نقش این زن را بازی می‌کند و به بهترین شکل درد و رنج او را فریاد می‌زند، حامد بهداد در این فیلم کمتر حرکت اضافی دارد. او قرار است عاشق باشد و اشک بریزد. هر چند با دیدن فیلم سوال‌های بی‌جواب زیادی شاید برایتان پیش بیاید.



مثلا این همه حرف زدن‌ها و متن خواندن‌های لیلا حاتمی در نقش یک گوینده رادیو. او که برای خوشبخت بودن و شاد بودن دیگران تلاش می‌کند خود در او تلخی بود. شاید قرار بود که فیلم ساده و بی‌ریا با مخاطبش ارتباط برقرار کند. اما بعضی‌ها گویی‌ها و بعضی کارهای بی‌دلیل جلوی این اتفاق را گرفته بود. فیلم درباره زنی است که ۱۲ سال پیش برای بچه دار شدن به مشهد رفته است. این بار در آستانه مرگ به زیارت می‌رود. راستی با این فیلم می‌شود سومین فیلمی که لیلا حاتمی در تدارک بچه دار شدن است. دو فیلم قبلی لیلا داریوش مهرجویی، ایستگاه متروک علیرضا رئیسیان بودند که دیدن دوباره لیلا یکی از کارهایی است می‌توان در هر روزی انجام داد و باز هم از دیدن آن لذت برد.

شنیده‌اید. امسال یک بار با دوستانتان همراه باشید و آنها را یک بار دیگر با دقت ببینید و بشنوید. شاید در هر جا که می‌روید انواع مسابقه‌ها برگزار شود. اگر می‌خواهید در آنها شرکت کنید. با هم بودن را تجربه کنید. با هم عکس‌ها را ببینید و با هم سرودها را بشنوید. حتما نکته‌ها را بیشتر پیدا می‌کنید. نکته‌هایی که هر بار گذرا از کنارش رد شده‌اید. حالا این همه سال گذشته است شاید سرودها برایتان تکراری باشد و شاید اصلا حفظ باشید اما ببینید و این بار هنرتان و



پیشنهاد هفته

بوی گل سوسن و یاسمن

بهمن ۵۷ برای کسانی که این روزها دهه سوم و چهارم زندگی خود را می‌گذرانند پر از خاطره است؛ خاطره‌های خوش روزهای بی‌برف و شادی که به امید تغییر بودند و آزادی. جوان‌هایی که از جان و دل گذشته در میانه میدان بودند. فرقی نداشت سال سوم دبیرستان باشند یا سوم دانشگاه. مهم نبود قبل‌تر چه کار می‌کردند اما در روزهایی مثل امروز همه یک هدف داشتند. هدفشان برایشان مهم بود. در روزهایی مثل امروز می‌خواستند پیروز شوند. امام (ره) آمده بود. آن سخنرانی داخل بهشت زهرا را انجام داده بود. هوپیمای امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب که در مهرآباد نشسته بود همه می‌دانستند پیروزی از آن مردم است و خواننده بودند: «دیو چو بیرون رود فرشته درآید». آن روزها مردم همدیگر را دوست داشتند. به هم کمک می‌کردند و پشتیبان هم بودند. امسال هم مثل هر سال دیگر در این ۳۱ ساله گوشه و کنار شهرهایمان پر از خاطره است. پر از یادآوری آن روزها. پر از شعر است و سرود و تصویر. در هر مدرسه، در میدان و خیابان‌ها عکس‌ها قرار دارد و گوشمان با شنیدن این آهنگ‌ها و سرودهای انقلابی پر می‌شود. این بار فرصت را از دست ندهید. هر بار این عکس‌ها را دیده‌اید. هر بار این سرودها را